

مردی با چشم‌های حادثه ساز- قسمت دوم

خشکسالی درآبادی



محمداپوری
روزنامه‌نگار

مردهای آبادی روی ایوان «تکیه» دور هم نشسته بودند تا شور کنند که چه کسی «میر باران» یعنی پهلوان دروغین شود و به جنگ خشکسالی برود. طبق باور عوام، قبابی سرخی پیوشد و یک «کلاهخود» با پر سرخ بلندی بر پیشانی‌اش روی سر بگذارد. آن‌گاه سوار بر یک اسبش کنند که شب

و روز توی آبادی بگردد و بگردد تا خشکسالی دست از سر مردم آبادی بردارد و باران ببارد. سه ماه تمام خاک تفتیده و چاک چاک تشنه مانده بود. دریغ از یک قطره باران، مردم نذرو نیاز بسیار کرده بودند تا بارانی ببارد و خاک تشنه را سیراب کند، اسم هفت کچلان آبادی را روی تکه کاغذهایی نوشته و بر شاخه‌های لخت درخت پیر «مراد» در میدان گره زده بودند. هر روز غروب با طبل و دهل و سرنا راه می‌افتادند و در بیرون آبادی روی تپه‌ای روبه قرص در حال غروب خورشید می‌ایستادند تا طلب باران کنند. اما هر روز صبح آفتاب در حال طلوع را می‌دیدند که در فضای پرغباری، مثل یک تاول چرکین از پس کوهسارخ می‌نماید تا مثل هر روز رمق از جان خاک تشنه بمکد. شاخه‌های پژمرده درختان و ساقه‌های خمیده گندمزار و چمنزارهای سوخته را می‌دید و لاشه‌های گاو و گوسفندی که به سینه سوخته دشت پراکنده بود و هر روز مردم با چشم‌های مصیبت‌بار این صحنه‌های دردناک را نظاره می‌کردند. کدخدا رحیم در میان جمع ریش‌سفیدهایی که روی ایوان نشسته بودند، به دیوار تکیه داده بود و چپ‌ش را می‌گیراند. نگاه غمزده پیرمرد به زنان و دختران با شلیته‌های سرخ چین دار بود که کوزه‌های آب را بر سر گذاشته بودند و با پاهای خسته از چشمه پای کوه برمی‌گشتند. بچه‌های لخت و پتی به استقبال شان می‌دویدند و دست‌هایشان را به تمنای جرعه‌ای سوی آنها دراز می‌کردند که خدا را انگشت شست حنایی‌اش، نوتون نیم سوخته دور لب چپ‌ق را فشرده و با نفس‌های عمیق آن را بگیراند. ریش‌سرخش را خاراند که فواره دود از لای سیبل آویخته‌اش بیرون زد. نگاهش را از سر تسلیم و رضا به آسمان گرفت و به تمنا گفت: پروردگارا، صغیرهایمان گرسنه و تشنه مانده‌اند. احشام از تشنگی دارند تلف می‌شوند و مرده‌ها با چهره‌هایی ماتم زده سر بزنایندند. آمین یا رب‌العالمین. پیرمردی که قوز کمرش را به ستون چوبی لب ایوان تکیه داده بود، نه ریش حنایی‌اش را خاراند و زیر لب گفت: - این خشکسالی بی حکمت نیست.

کلبایی معصیت‌ها فراوان شده، پسر بچه‌ای لخت و پتی با پاهای برهنه به لب ایوان رسید و نفس‌زنان رو به کدخدا گفت: - آقا کاظم چشم زخمی می‌که من رخت شمر تنم نمی‌کنم. پیرمرد ریش حنایی به اعتراض گفت: - غلط می‌کند. آن‌هم نفوس بد زده حالا قبابی باران به تن نمی‌کند؟ این بلا که سرمان آمده از چشم بد همین مردک بوده. پیرمردی دستی به ریش سفید و بلندش کشید و گفت: - استغفرالله. از چشم بد این مردک ملعون است که گرفتار این قحطی و خشکسالی شده‌ایم. آقایان آن روز، پارسال به چشم خودشان دیدند که همین مرد چشم گرداند روی زمین مشهدی رحیم، خدایا همه آقایان دیدند که آتش از آن طرف گندمزار شعله کشید و همه گندمزار آتش گرفت و خاکستر شد. پیرمردی به اعتراض گفت: -بله آن‌روزها که گروه گروه از هر شهر دور و نزدیک به هوای تماشای این آقا مرتضی به آبادی‌مان می‌آمدند و کسب و کارمان رونق می‌گرفت، من می‌گفتم مردم گول این آدم و رونق بازار و فراوانی محصول را نخورید.

■ ادامه دارد

فرار ۲۰ ماهه قاتل از شاهرود تا تهران

گروه حوادث / مرد رستوران دار که در جریان درگیری مرد جوانی را به قتل رسانده بود، پس از ۲۰ ماه زندگی مخفیانه سرانجام در مراسم عزاداری دایی‌اش بازداشت شد. به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، شهریور سال ۹۷ مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و از درگیری مرگباری در یکی از خیابان‌های شهرستان شاهرود خبر داد. با اعلام این خبر بازپرس جنایی و تیم بررسی صحنه جرم بلافاصله راهی محل حادثه شدند.

با حضور در محل آنها با جسد مرد ۴۵ ساله در حالی مواجه شدند که با ضربه چاقو از پا درآمده بود. هویت مرد جوان بلافاصله شناسایی شد و در ادامه تحقیقات کارآگاهان به سراغ شاهدان حادثه رفته تا راز این جنایت برملا شود. در تحقیقات میدانی شاهدان عنوان کردند که هوشنگ - مقتول - با چهار مرد جوان درگیر شده و عاملان درگیری، اقدام به فرار کردند. در گام بعدی کارآگاهان به بازبینی دوربین‌های اطراف محل حادثه پرداخته و تصویر متهمان فراری به دست آمد. در ادامه تحقیقات یکی از متهمان از سوی اهالی محل شناسایی شد و مأموران موفق شدند اولین متهم در این نزاع مرگبار را دستگیر کنند. مرد جوان در تحقیقات به شرکت در نزاع اعتراف کرد و گفت: من و سیاوش و دو نفر دیگر از دوستانم در درگیری شرکت داشتیم اما چاقو را سیاوش زد. با

اظهارات مرد جوان، هویت سه همدست دیگر او نیز شناسایی شد و مأموران موفق شدند دو نفر دیگر از آنها را نیز دستگیر کنند. اما سیاوش پس از جنایت متواری شده بود و هیچ رد و سرنخی از او در دست نبود. بررسی‌ها برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت تا اینکه مأموران تیم جنایی شهرستان شاهرود به خبر شدند که سیاوش در تهران دیده شده است. مأموران بلافاصله با بازپرس کشیک قتل پایتخت هماهنگی‌های لازم را به عمل آوردند و راهی تهران شدند و مرد جوان را در مراسم عزاداری دایی‌اش دستگیر کردند.

سوی اهالی محل شناسایی شد و مأموران موفق شدند اولین متهم در این نزاع مرگبار را دستگیر کنند. مرد جوان در تحقیقات به شرکت در نزاع اعتراف کرد و گفت: من و

تحقیق در پرونده یک سقوط مرگبار

گروه حوادث: پنج پسر جوان که حدود یک سال قبل شاهد سقوط مرگبار دوست‌شان از بالکن طبقه پنجم ساختمانی بودند، برای تحقیق در این باره به دادگاه احضار شدند. به گزارش خبرنگار «ایران»، شهریور سال ۹۷ خبر سقوط پسری جوان از بالکن طبقه پنجم خانه دوستش در میدان نوزدهم نارمک به پلیس اعلام شد. پس از اینکه امدادگران اورژانس مرگ این پسر را تأیید کردند، خانواده وی با شکایت از دوستان پسرشان مدعی شدند که آنها مدتی قبل نیز با پسر او درگیر شده و دعوا کرده بودند. بدین ترتیب هر ۵ پسر جوان تحت بازجویی قرار گرفتند. اما آنها مدعی شدند آن شب در خانه یکی از دوستان‌شان میهمان بوده‌اند شهرام ناگهان به بالکن رفته و خود را پایین انداخته است. در جلسه محاکمه صبح دیروز نیز که در شعبه هشتم دادگاه کیفری برگزار شد،

جنایت شد تا تحقیقات در این رابطه تکمیل شود.
گفت‌وگو با متهم چرا هوشنگ را کشتی؟
من او را نمی‌شناختم من ۱۰ سال قبل با فروش آشنا شدم و او را به عقد موقت خودم درآوردم. مدتی قبل فروش به سراغم آمد و گفت مردی به نام هوشنگ برای او ایجاد مزاحمت می‌کند. تصمیم گرفتم خودم به سراغ هوشنگ بروم تا شاید او دست از مزاحمت‌هایش بردارد.

اگر قصد دوغاونو، چرا با دوستانت رفتی؟
نمی‌خواستم آنها با من بیایند، موضوع را که برایشان تعریف کردم، خودشان گفتند که همراه می‌آیند تا تنها نباشم.

چه شد که دست به چاقو شدی؟
دعوا که شروع شد، چاقویی را که روی زمین افتاده بود برداشتم، هوشنگ می‌خواست

چاقو را از من بگیرد که یک دفعه چاقو به بدنش خورد و نقش زمین شد. من که هوشنگ را خونین روی زمین دیدم، ترسیدم و پا به فرار گذاشتم.

کی متوجه شدی که هوشنگ کشته شده است؟
در این مدت کجا بودی؟

شهرهای مختلف ایران را می‌گشتم. من رستوران دار بودم و وضع مالی خوبی داشتم برای همین برابم زندگی در شهرهای مختلف کار سختی نبود.

چه شد به تهران آمدی؟
وقتی فهمیدم دایی‌ام فوت کرده است، به تهران آمدم تا در مراسم عزاداری او شرکت کنم.

چرا خودت را تسلیم نکردی؟
با اینکه عذاب وجدان داشتم اما از قصاص و مرگ می‌ترسیدم.

خودکشی کند. بعد از اینکه آن دختر ارتباطش را با شهرام قطع کرد، او حالش بدتر شد. شب حادثه شهرام حالش خوب نبود و گریه می‌کرد و بعد به سمت بالکن رفت ما فکر کردیم می‌خواهد سیگار بکشد اما گیاهان خودش را پایین انداخت. در ادامه جلسه سایر دوستان شهرام نیز همین حرف‌ها را تأیید کردند و بدین ترتیب قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

یکی از پسرها گفت: شهرام از مدتی قبل دچار افسردگی شده بود عامل این حالتش نیز دختری به نام مریم بود. این دختر در کلاس‌های عرفانی و فلسفه شرکت می‌کرد و کتاب‌هایش را به شهرام می‌داد تا بخواند اما شهرام بعد از خواندن این کتاب‌ها دچار افسردگی شده بود و از نظر فکری و روحی به هم ریخته بود. گریه می‌کرد و حرف‌های عجیبی می‌زد. مدام نگران بود برای بردارش اتفاق بدی بیفتد و می‌خواست

editorial@irannewspaper.ir

تلفن گروه حوادث: ۰۲۱ - ۸۸۷۶۱۶۲۱

نقش شهروندان در پیشگیری از وقوع جرم



سرهنگ جلیل موفوق‌های

چابک‌بین پلیس

کودکی از موارد، سرقت به صورت حرفه‌ای انجام می‌شود. این دسته جرایم و سرقت‌ها اغلب توسط افراد معتاد و بی‌خانمان صورت

می‌گیرد تا هزینه سفر و مواد مخدر خود را تأمین کنند. مرتکبین سرقت‌های آمتور جوانانی هستند که برای سرگرمی و قدرت‌نمایی مرتکب جرم می‌شوند. سرقت لوازم خودرو و تلفن همراه در این زمینه بیشترین موارد را به خود اختصاص می‌دهد. در این موارد شاهد هستیم تعدادی از جوانان در پارک‌ها تجمع کرده و به‌عنوان مثال برای تأمین هزینه سفر تفریحی خود تصمیم به موبایل قاچمی می‌گیرند که به واسطه بی‌تجربگی و ناآگاهی این جوانان منجر به سرقت‌های خشن می‌شود. اما برای پیشگیری و کاهش این سرقت‌ها شهروندان با هوشیاری می‌توانند مانع سرقت‌های آمتور در سطح شهر شوند. فرد معتاد یا بی‌خانمان زمانی که وسیله ارزشمندی در داخل خودرو مشاهده نکند از سرقت آن منصرف می‌شود یا وقتی افراد کم تجربه که برای تأمین مخارج تفریح خود به دنبال ارتکاب جرایم خرد هستند دریابند که شهروندان نکات ایمنی را رعایت می‌کنند از اقدام به سرقت پرهیز می‌کنند. به‌عنوان مثال اگر هنگام حرکت در خیابان با تلفن همراه صحبت نکنیم یا اگر مجبور بودیم گوشی را با دستی نگه داریم که به سمت دیوار است خطر سرقت کمتر می‌شود. رعایت برخی نکات ایمنی از سوی مردم می‌تواند به راحتی از وقوع جرم جلوگیری کند اما بی‌تردید عمده وظیفه مقابله با این گونه جرایم برعهده نیروهای انتظامی است و پلیس پیشگیری پایتخت با کنترل مستمر مجرمین در این راستا به فعالیت می‌پردازد تا در کنار هوشیاری مردم و رعایت نکات ایمنی از وقوع جرایم پیشگیری کند.

معرفی مقصران آتش سوزی مرگبار در استودیوی دوبله



از سوی دیگر کارشناسان، شهاب الیکا و شامین معین‌الدینی را به خاطر اینکه با وجود اطلاع از ایمن نبودن محل کارشان در آنجا مشغول به کار شده بودند، در مجموع به میزان ۲۵ درصد مقصر شناختند و رامین معین‌الدینی و وحید رضایی نیز به همین دلیل ۱۵ درصد مقصر شدند. مالک ساختمان هم که ملک مسکونی را برای استفاده تجاری اجاره داده و نکات ایمنی را رعایت نکرده بود، در این حادثه ۵ درصد مقصر شناخته شد که این حکم از سوی طرفین پرونده قابل اعتراض خواهد بود.

در تحقیقات انجام شده، کارشناس آتش‌نشانی ناییم‌ن بودن استودیو را تأیید کرد و مقصران این حادثه شناسایی شدند. طبق نظریه کارشناسی، دو کارگری که تراس مقابل اتاقک را ایبزوگام و قیرگونی می‌کردند به این دلیل که اصول ایمنی کار را رعایت نکرده بودند، به میزان ۳۰ درصد مقصر شناخته شدند. مدیر استودیو نیز که نکات ایمنی را برای ایجاد چنین محیط کاری رعایت نکرده بود و عایق مناسب نداشت و به کیسول آتش‌نشانی نیز مجهز نبود، به میزان ۲۵ درصد مقصر شناخته شد.

مقصران حادثه/ آتش سوزی در استودیوی خصوصی که منجر به مرگ ۴ دیپلور و صدباردار شده بود، از سوی بازپرس پرونده معرفی شدند. به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، این حادثه آتش سوزی مرگبار بعد از ظهر یکشنبه ۲۴ فروردین در خیابان اجاره‌دار تهران رخ داد. یک ساختمان قدیمی و سه طبقه طعمه حریق شد و دقایقی بعد نیز مأموران آتش‌نشانی به محل رفته و پس از چند ساعت تلاش موفق به خاموش کردن آتش شدند. اما در ادامه کار مأموران چهار جسد را که درون اتاقکی کوچک در طبقه سوم ساختمان بود، پیدا کردند. از آنجایی که آتش به اتاقک ۴ متری سرایت نکرده بود و آثاری از سوختگی در اجساد دیده نمی‌شد، موضوع به بازپرس غلامی از شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران و مأموران پلیس پیشگیری اطلاع داده شد و آنها برای بررسی ماجرا راهی محل شدند. نخستین تحقیقات نشان می‌داد که دو اتاقک طبقه بالایی این ساختمان استودیوی خصوصی دوبله فیلم بوده و دیوارهای اتاق‌ها نیز به همین خاطر

مقصران حادثه/ آتش سوزی در استودیوی خصوصی که منجر به مرگ ۴ دیپلور و صدباردار شده بود، از سوی بازپرس پرونده معرفی شدند. به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، این حادثه آتش سوزی مرگبار بعد از ظهر یکشنبه ۲۴ فروردین در خیابان اجاره‌دار تهران رخ داد. یک ساختمان قدیمی و سه طبقه طعمه حریق شد و دقایقی بعد نیز مأموران آتش‌نشانی به محل رفته و پس از چند ساعت تلاش موفق به خاموش کردن آتش شدند. اما در ادامه کار مأموران چهار جسد را که درون اتاقکی کوچک در طبقه سوم ساختمان بود، پیدا کردند. از آنجایی که آتش به اتاقک ۴ متری سرایت نکرده بود و آثاری از سوختگی در اجساد دیده نمی‌شد، موضوع به بازپرس غلامی از شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران و مأموران پلیس پیشگیری اطلاع داده شد و آنها برای بررسی ماجرا راهی محل شدند. نخستین تحقیقات نشان می‌داد که دو اتاقک طبقه بالایی این ساختمان استودیوی خصوصی دوبله فیلم بوده و دیوارهای اتاق‌ها نیز به همین خاطر

کلاهبرداری به بهانه فروش کالا در فضای مجازی

مسدود شده است و من هم به وی مظنون هستم چون رفت و آمدهای مشکوکی دارند. سرهنگ داوود معظم گودرزی، سرپرست پلیس فتا تهران بزرگ گفت، در پی هماهنگی با دادسرای مبارزه با جرایم رایانه‌ای و پس از تکمیل تحقیقات تا توجه به اینکه بیم فرار متهمان از محل مورد نظر محتمل بود، اکیبی از مأموران پلیس فتا به خانه مورد اجاره رفتند و دونفر را به اتهام کلاهبرداری دستگیر کردند و در تحقیقات تکمیلی مشخص شد که متهمان به صورت گسترده اقدام به کلاهبرداری در سایت‌های اینترنتی می‌کنند و تاکنون مبلغی حدود ۱۳۵ میلیون تومان به همین روش کلاهبرداری کرده‌اند. پرونده پس از تکمیل مدارک لازم متهمان به همراه شاکي به دادسرای مبارزه با جرایم رایانه‌ای رفتند.

از من کلاهبرداری شده است. پس از اظهارات مالباخته پرونده در دستور کار مهندسان پلیس قرار گرفت و مأموران متوجه شدند متهم برای رد گم کردن و پنهان ماندن هويتش مبلغ سرقتی را به حساب‌های مختلف واریز کرده و بعد از چند روز از مسدود شدن همه حساب‌هایی که پول به آنها واریز شده، فردی با این عنوان که حساب بانکی‌اش بی دلیل مسدود شده به پلیس فتا مراجعه کرد که مأموران در مورد مبدأ اصلی مبلغ واریزی از او سؤال کردند. او با اظهار بی اطلاعی به مأموران گفت: در حال حاضر خانه‌ای در تهران دارم که تاکنون به مدت ۱۰ روز است که به فردی اجاره داده‌ام و به صورت روزانه از وی کرایه می‌گیرم، چهاردهم فروردین نیز مبلغی بابت اجاره خانه به حسابم واریز کرده و همان روز فهمیدم حسابم

گروه حوادث/ دومرد شاید که با درج آگهی در یکی از سایت‌های اینترنتی فروش کالا ۱۳۵ میلیون تومان کلاهبرداری کرده‌اند، توسط پلیس فتای پایتخت دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار «ایران»، سیدکی به این پرونده از دهم فروردین سال جاری با طرح شکایت مرد جوانی که مدعی بود از او در فضای مجازی کلاهبرداری شده است در دادسرای جرایم رایانه‌ای ناحیه ۳۱ تهران و پلیس فتا آغاز شد. شاکي گفت: در یکی از سایت‌های فروش کالا در فضای مجازی یک دستگاه گوشی آیفون ۱۱ به مبلغ ۸ میلیون تومان را انتخاب کردم و با فرد آگهی دهنده تماس گرفتم که وی برای فروش، مبلغ مذکور را مطالبه کرد و من هم وجه را به حسابش واریز کردم و سپس با او تماس گرفتم ولی دیگر کسی پاسخگو نبود، تا اینکه متوجه شدم

۴ کشته در برخورد سمند و پیکان

گروه حوادث/ تصادف دو خودرو سمند و پیکان در اسفراین ۴ کشته و ۷ مجروح داشت. سرهنگ علیرضا حسین زاده رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی خراسان شمالی گفت: این حادثه حوالی ساعت ۹ صبح روز دوشنبه در بخش بام و صفی آباد اسفراین، در حوالی روستای قهقرمان آباد این شهرستان رخ داد و در همان لحظات اولیه ۴ نفر فوت کردند و ۷ نفر هم مصدوم شدند. علت این حادثه از سوی کارشناسان پلیس ایجاد شرایط مخاطره آمیز و انحراف به چپ از سوی خودرو سمند تشخیص داده شده است که از خودرو پیکان که از روبه‌رو می‌آمد، برخورد کرد.

